

جزوه جامع عربی دهم انسانی تألیف: نعمت اله مقصودی سال تحصیلی: ۱۳۹۶

## الدرس الثامن

یا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ: ای آنکه شگفتی‌هایش در دریاهاست.

## موضوع الدرس: الجار والمجرور

جملات در هر زبانی از دو بخش تشکیل می‌شوند:

۱- ارکان اساسی ۲- قیدها و متمم‌ها

در درس قبلی با انواع جمله و ارکان آنها و برخی قیدها مانند مضاف الیه، صفت آشنا شدیم. قصد داریم در این درس درباره متمم‌ها در زبان عربی صحبت کنیم. به این جمله توجه کنید:

دانش‌آموزان به کلاس رفتند: ذهب التلاميذُ إلى الصف.

در زبان فارسی، «به» حرف اضافه و «کلاس» متمم و «به کلاس» گروه متمم نامیده می‌شود. معادل این دو کلمه در زبان عربی، «إلى الصف» است. گروه متمم را در زبان عربی «جار و مجرور» می‌نامند.

به هر یک حروف «مَنْ، فِي، إِلَى، عَلَى، بِ، لِرَ، عَنْ، كَ» در زبان عربی «جار: حرف جر» و به اسم بعد از آن «مجرور» و به هر دو کلمه با هم، «جار و مجرور» گفته می‌شود. جار و مجرور باعث کامل‌تر شدن معنای جمله می‌شوند، ولی از جمله قابل حذف هستند. مثال:

مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدِينَ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ

معانی حروف جر		
مِنْ	از	﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲ تا انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)
		﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان: ۲۱ دست‌بندهایی از جنس نقره
فِي	در	﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ الْبَقَرَة: ۲۹ او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

سال تحصیلی: ۱۳۹۶

تألیف: نعمت اله مقصودی

جزوه جامع عربی دهم انسانی

إلى	به	﴿ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةً عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ ﴾ الإسراء: ١ گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر.»
	به سوی	﴿ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ﴾ الإسراء: ١ پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.
	تا	كَانَ الْفَلَاخُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْزَعَةِ مِنَ الصُّبْحِ إِلَى اللَّيْلِ. كشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.
علی	بر	الْإِنْسَانُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.
	روی	الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.
بر	به وسیله	﴿ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴾ العلق: ٣ و ٤ بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم آموخت.
	در	﴿ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ ﴾ آل عمران: ١٢٣ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.
لـ	داشتن	لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.
	از آن	﴿ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ ﴾ الكافرون: ٦ دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.
	برای	لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.
عَنْ	از	﴿ وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴾ الشورى: ٢٥ او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد و آنچه را انجام می‌دهید؛ می‌داند.

جزوه جامع عربی دهم انسانی تألیف: نعمت اله مقصودی سال تحصیلی: ۱۳۹۶

درباره	﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ... ﴾ البقرة: ۱۸۶ و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.
گ	ك مماند
	فَضْلُ الْعَالَمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

نکته ۱: گاهی اوقات از جار و مجرور به عنوان خبر در جمله استفاده می‌شود و از جمله قابل حذف نیست. مثال:

النجاة في الصدق: رهایی در راستگویی است. جار و مجرور = خبر

﴿سلامة العيش في المداراة﴾: سلامت زندگی در مهربانی (با مردم) است. جار و مجرور = خبر

نکته ۲: گاهی اوقات، خبر جار و مجرور با هدف تأکید بر یک موضوع، قبل از مبتدا قرار می‌گیرد. مثال:

في التأخير آفات: (قطعا) آسیب‌هایی در به عقب انداختن (کار) وجود دارد.

في الصداقة نجا: (بدون شک)، رهایی در راستگویی است.

### نون الوقاية

یک قاعده کلی در زبان عربی به نام تناسب حروف «و - ا - ي» با حرکت قبل وجود دارد که باید رعایت شود؛

(و) (ا) (ي)

به هنگام اتصال یک فعل به ضمیر (ي) مفعولی نیز باید این تناسب وجود داشته باشد. اما این نکته را بدانید که هیچ فعلی در زبان عربی مجرور (ـ) نمی‌شود. بنابراین برای جلوگیری از این اتفاق و محافظت فعل از مجرور شدن، قبل از ضمیر (ي) از یک حرف (ن) کمک می‌گیریم. به همین علت به این حرف «نون وقایة» گفته می‌شود.

مثال:

هو نصرني في إداء واجبات المدرسة: دوستم مرا در انجام تکالیف مدرسه یاری کرد.

هل أنت تعرفني؟ آیا مرا می‌شناسی؟